

معاد در قرآن کریم

(ضرورت معاد)

جلسه بیست و دوم

۱۳۹۶/۱۰/۱۴



زیرموضوعات

و خلاصه سخنرانی

دکتر محمد اسدی گرمارودی

(با اندکی تصرف)

● مروری بر جلسه گذشته در معنای ضرورت معاد

○ اشاره به آیات قرآن در اثبات ضرورت و امکان معاد

○ اشاره به براهین فطرت و حکمت در اثبات ضرورت معاد

● رحمت و معنای آن در فرهنگ قرآن

○ رحمت، نوعی رقت و حالت قلبی است که احسان و نیکی به شخص مورد دلسوزی را در پی داشته باشد. البته در تعبیرات قرآنی

گاهی به دلسوزی بدون احسان رحمت گفته میشود؛ همانگونه که برخی اوقات احسان بدون حالت قلبی را نیز رحمت مینامند.

○ در قرآن کریم هر جا که رحمت خداوند متعال به بندگانش مطرح میشود، منظور احسان و تفضل و نیکی بدون حالت تأثر قلبی

است؛ چرا که ذات مقدس او منزّه از تأثرات قلبی و رقت دل و ... است.

■ اینک در کنار مائده آسمانی قرآن مینشینیم و با استفاده از آیت، با این صفت الهی بیشتر آشنا میشویم:

■ تعداد تکرار

● واژه "الرحمن" در سراسر قرآن کریم ۱۵۷ مرتبه، و واژگان الرحیم و رحیم و رحیماً جمعاً ۱۶۶ مرتبه تکرار شده اند.

در مواردی که در قرآن کریم این کلمات آمده، به عنوان صفت الهی است، مگر در یک مورد در آیه ۱۲۸ سوره توبه که کلمه رحیم در وصف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم آمده است.

● در ۴ مورد از خداوند طلب رحمت شده که سه مورد آن از طرف پیامبران و دیگری از سوی بندگان خالص الهی است. که عبارتند از: بقره/۲۸۶، اعراف/۱۵۱ و ۱۵۵، مؤمنون/۱۰۹.

● در ۴ جا هم خداوند متصف به «ارحم الراحمین»؛ اعراف/۱۵۱، یوسف/۶۴، یوسف/۹۲ و انبیاء/۸۳ و در یک مورد «خیر الراحمین» گردیده مؤمنون/۱۱۸.

■ رحمت الهی در برخی آیت

● پروردگار شما بخشنده و دارای رحمت است «وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ» کهف/۵۸.

● خداوند رحمت را بر خویش واجب فرموده است «كُتِبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» انعام/۱۲ و ۵۲.

● رحمت الهی واسع است و شامل هر چیزی میشود «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» اعراف/۱۵۶.

● رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است «إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» اعراف/۵۶.

● ای کسانی که به خود ظلم کرده‌اید! هرگز از رحمت خدا ناامید نشوید «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ» زمر/۵۳.

● از رحمت مایوس نمیشوند، مگر گمراهان «وَمَنْ يَقْنَطْ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» حجر/۵۶.

● حقیقتاً هیچ کسی نمیتواند مانع نزول رحمت الهی بر انسان شود و اگر خداوند رحمتی را از شخصی دریغ دارد، هیچ کس نمیتواند آن رحمت را بر وی فرود آورد «مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِن بَعْدِهِ» فاطر/۲.



معاد در قرآن کریم

(ضرورت معاد)

جلسه بیست و دوم

۱۳۹۶/۱۰/۱۴



زیرموضوعات

و خلاصه سخنرانی

دکتر محمد اسدی گرمارودی

(با اندکی تصرف)

- بسیاری از انسانها اگر بعد از سختی و شدت، رحمتی بر آنان نازل شود، ظرفیت پذیرش آن را ندارند و مشرک میشوند و آن رحمت را از دیگری میدانند « وَإِذَا مَسَّ النَّاسُ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آذَاهُمْ مِنْهُ رَحْمَةٌ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يَشْكُرُونَ » روم/۳۳.
- اگر مردم مالک گنجینه‌ها و ذخیره‌های رحمت الهی بودند، باز هم از ترس فقر، آن را انفاق نمی‌کردند « قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ » اسراء/۱۰۰.
- آیا کسی غیر از خدا رحمت را تقسیم میکند؟ « أَهْمُ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ » زخرف/۳۲.
- برخی وقتی رحمتی از طرف خدا بر آنان نازل میشود، آن را حق مسلم خود و ازلی و دائمی می‌پندارند و قیامت را انکار میکنند و گمان می‌برند در آخرت هم همین رحمت را خواهند داشت « وَلَئِنْ آذَقْتَاهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَى رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْتَى » فصلت/۵۰.
- رحمت پروردگارت از آنچه جمع میکنند، بهتر است « وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ » زخرف/۳۲.
- رحمت کردن به بندگان از فلسفه‌های خلقت « إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ » هود/۱۱۹.
- جز از طریق رحمت الهی، راهی برای رهایی از شر نفس اماره نیست « إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي » یوسف/۵۳.
- دوستی، علاقه و رحمت بین زن و شوهر از نشانه‌های خداوند است « وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً » روم/۲۱.
- رویش گیاهان در فصل بهار از آثار رحمت الهی « فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا » روم/۵۰.
- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و به رسول او هم ایمان آورید تا خداوند دو بهره و نصیب از رحمتش را به شما کرامت فرماید « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ » حدید/۲۸.

رحمت در میان مؤمنان

- از خصوصیات اصحاب الیمین، سفارش به رحمت به یکدیگر است: « وَتَوَّاصُوا بِالْمَرْحَمَةِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ » بلد/۱۷-۱۸.
- مؤمنان با دشمنان سخت و محکم، ولی با یکدیگر با رحمت برخورد میکنند « وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ » فتح/۲۹.
- از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان (پدر و مادر) بگستر « وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ » اسراء/۲۴.
- دعا برای مورد رحمت قرار گرفتن پدر و مادر از وظایف فرزندان است؛ چراکه در کودکی او را تربیت کرده اند «... وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا » اسراء/۲۴.

• محسنین چه کسانی هستند؟

○ یکی از واژه‌های اساسی و کلیدی در قرآن کریم، واژه «محسن» و مشتقات آن می‌باشد. این واژه اسم فاعل از فعل «أَحْسَنَ» می‌باشد. از بررسی آن دسته از آیاتی که در آنها واژه‌های «محسن»، «محسنین»، «محسنات» به کار رفته است، این نتیجه به دست می‌آید که این واژه در قرآن در دو معنی به کار رفته است، یکی در خصوص خیر رساننده و نیکی کننده به دیگران و دیگری در مورد کسی که کارهای نیک و رفتار صالح انجام می‌دهد، چه این رفتار عملی باشد یا روحی و اعتقادی. البته در اینجا نیز مانند کاربردهای واژه «احسان» معنی کاربرد دوم در



معاد در قرآن کریم

(ضرورت معاد)

جلسه بیست و دوم

۱۳۹۶/۱۰/۱۴



زیرموضوعات

و خلاصه سخنرانی

دکتر محمد اسدی گرمارودی

(با اندکی تصرف)

برگیرنده معنی کاربرد نخست می باشد، زیرا هر کسی که خیری را به دیگران می رساند و به دیگران نیکی می کند، این رفتار او فی نفسه، عمل صالحی محسوب می شود که کاربرد دوم شامل آن بوده و چنین شخصی «محسن» در معنی دوم آن می باشد.

○ ویژگی های محسنین با توجه به آیه ۷۸ سوره مبارکه یوسف

■ **قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ**

● گفتند: ای عزیز، او پدری پیر و کهنسال دارد؛ یکی از ما را به جای او بگیر و او را آزاد کن، که ما تو را از نیکوکاران می بینیم.

● درخواست برادران به معاوضه یکی بجای بنیامین

○ وقتی برادران یوسف دیدند نگاهداشتن بنیامین قطعی شد، با توجه به تعهدی که به پدر سپرده بودند و سابقه ای که درباره یوسف نزد پدر داشتند، و احساس کردند برگشتن بدون بنیامین بسیار تلخ است، تقاضای خود را با روان شناسی خاصی مطرح نمودند و شروع به التماس کردند و با بیان های عاطفی و محرک همچون، تو عزیز و قدرتمندی، تو از نیکوکارانی، او پدری پیر و سالخورده دارد، هر کدام از ما را خواستی به جای او بگیر، درصدد جلب بخشش او بر آمدند.

● اشاره به تفسیر امام صادق علیه السلام در تفسیر معنای محسنین

● **أَيُّ عَبْدٍ لِلَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ قَالَ كَانَ يُوسُفُ الْمَجْلِسَ وَ يَسْتَقْرِضُ لِلْمُحْتَاجِ وَ يُعِينُ الضَّعِيفَ**

○ خداوند حضرت یوسف را در قرآن از محسنین می شمارد و می فرماید: نبئنا بتأويله انا نراك من المحسنين؛ روایتی است که حضرت امام صادق علیه السلام اعمال صالح جناب یوسف نبی که در زندان صورت می داده را بر می شمارد. کان یوسع المجلس؛ یعنی حضرت یوسف برای افراد تازه وارد، جا را وسیع می کرد تا شخص در آنجا بنشیند. و يستقرض للمحتاج؛ اگر کسی به پول احتیاج پیدا می کرد و خودش هم نمی توانست برآورده کند، از دیگران برایش پول قرض می کرد. و يعين الضعيف؛ کافی ۳۷/۲،

○ اشاره به داستانی از احسان حضرت یوسف علیه السلام به جوانی که در کودکی به بیگنای او شهادت داد

■ وقتی که حضرت یوسف علیه السلام عزیز مصر شد، روزی در کنار پنجره نشسته بود و بیرون را نگاه می کرد، مردی پابرنه، با لباس کهنه و پاره از جاده عبور می کرد، جبرئیل آمد، گفت: آیا او را می شناسی؟ گفت: نه، نمی دانم کیست.

■ گفت: وقتی تو با زلیخا درگیر بودی، او می گفت: بیا و تو می گفتی: نمی آیم، او خیز برداشت که گریبان تو را بگیرد و تو فرار کردی، در حال فرار پیراهنت را از پشت گرفت و پیراهن تو پاره شد، بعد شوهر آن زلیخا درب سالن را باز کرد و آمد، اوضاع را دید، گفت: ای یوسف! چه خبر است؟ هنوز حرفش تمام نشده بود که زلیخا گفت: او را آوردی در کاخ تا نان و آبش را بدهی و تربیتش کنی، در این کاخ همه نوع وسایل برای او فراهم کنی، آخرش به همسر عزیز مصر خیانت کند. نخست وزیر مملکت بود و بالاخره قدرت داشت.

■ خدا در قرآن می فرماید: **«و شَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا».**

■ ناگهان شاهی که روایات می گویند: بچه بود، به عزیز مصر گفت: فوری نگو که یوسف به همسر من چشم خیانت داشته است، پیراهن آنها را نگاه کن، اگر پیراهن یوسف از جلو پاره شده باشد، یعنی یوسف خیز برداشته تا به او حمله کند، اما اگر پیراهن یوسف از پشت سر پاره شده باشد، یعنی او نمی خواسته خیانت کند و می خواسته فرار کند و زلیخا به دنبال او بوده است.

معاد در قرآن کریم

(ضرورت معاد)

جلسه بیست و دوم

۱۳۹۶/۱۰/۱۴



زیرموضوعات

و خلاصه سخنرانی

دکتر محمد اسدی گرمارودی

(با اندکی تصرف)

- به پیراهن یوسف نگاه کرد، دید جلوی پیراهنش سالم است ولی از پشت سر پیراهنش پاره شده است. گفت: «يُوسُفُ أَعْرَضُ عَنْ هَذَا». ای یوسف! از این زن رویگردان باش، او فتنه گر و مفسد است.
- جبرئیل گفت: ای یوسف! این مرد با این لباس کهنه و پای برهنه همان شاهی است که تو را از اتهام نجات داد. حضرت به مأمور خود گفت: برو او را بیاور. او را آورد، گفت: برای او لباس و کفش بیاورید، به او پول و شغل متناسب با عقل و فهمش بدهید و حقوقی نیز برای او قرار بدهید.
- جبرئیل تعجب کرد، حضرت یوسف (ع) گفت: چه شد؟ گفت: کرم خدا مرا متحیر کرد، آه از نهادم برآمد؛ چون کسی که برای تو شهادت به حق داده، ببین برای او چه کار کردی؟ آن وقت بندگانش که عمری می گویند: «أشهد أن لا اله الا الله» به وجدانیت او شهادت می دهند، در قیامت برای آنها می خواهد چه کند؟
- این نمازی که در عمر خود می خواندیم و در آن این شهادت بوده، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» سجده و رکوع داشته، فکر می کنید در ترازی قیامت که قران است، چقدر سنگین است؟ روزه‌ها، گریه‌ها، رعایت خانواده و محبت به مردم چقدر سنگین است؟
- امام صادق (ع) می فرماید:
 - دو رکعت نماز شما را خدا قبول کند، دستور می فرماید که پرونده‌اش را باز نکنید، همین دو رکعت نماز او را نجات می دهد. حدیث در کتاب شریف «وسائل الشیعة» است. برای شما باید ترازو بگذارند، نه برای دیو سیرتان، اهل ستم و نفهم‌هایی که دین را به مسخره می گیرند.
 - ظهور مطلق صفات ثبوتیه و کمالیه در حضرت حق
 - اشاره به معنای صفات ثبوتیه در فرهنگ دینی
 - صفات ثبوتی از کمالات وجود حکایت میکنند و متضمن هیچ جهت نقص و محدودیتی نیستند گو اینکه ممکن است بر مصادیق محدودی هم اطلاق شوند مانند مفهوم علم و قدرت و حیات اینگونه مفاهیم را با شرط عدم محدودیت مصادیق میتوان بعنوان صفات ثبوتیه به خدای متعال نسبت داد و سلب آنها صحیح نخواهد بود زیرا لازمه اش سلب کمال از موجود بینهایت کامل است.
 - بنابراین همه مفاهیمی را که حکایت از کمالات وجودی مینمایند و متضمن معنای نقص و محدودیتی نیستند میتوان بعنوان صفات ثبوتیه برای خدای متعال اثبات کرد و همچنین سلب همه مفاهیمی را که متضمن نوعی نقص و محدودیت هستند میتوان از صفات سلبیه واجب الوجود بشمار آورد و اگر تأکیدی بر عدم استعمال اسماء جعلی در مورد خدای متعال شده بدین جهت است که مبادا مفاهیمی بکار گرفته شود که متضمن معنای نقص و محدودیت باشد.
 - مهربانی و احسان، تجلی صفت رحمت الهی
 - محسن باید چند نشانی‌هایی داشته باشد؟
 - پاسخ به نیاز، نیازمندان
 - هر موجود مستعدی را به کمال لایقش برساند
 - زحمت، زحمتکشانش را هدر نهد و قدر آن را بداند
 - موجودی که امکان بقاء دارد را از حظ وجود محروم نسازد



معاد در قرآن کریم

(ضرورت معاد)

جلسه بیست و دوم

۱۳۹۶/۱۰/۱۴



زیرموضوعات

و خلاصه سخنرانی

دکتر محمد اسدی گرمارودی

(با اندکی تصرف)

• احسان ابتدایی حضرت حق چگونه است؟

○ اشاره به عبارتی از دعای عرفه امام حسین (ع) در تعریف احسان الهی

■ زبان نمودار تحول درونی قلب است، می توان گفت گاهی، ابتدا قلب انسان متوجه خدا شده و بعد آدمی نام او را به زبان آورده است. امام حسین علیه السلام در دعای عرفه این نکته را یادآوری می کند: «أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ؛ تو قبل از یادآوری کنندگان، آنان را یاد کرده ای.»

■ در ادامه دعای عرفه می خوانیم؛ «و أَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ» یعنی خداوند! قبل از اینکه عابدین توجه کنند و روی بیاورند تو احسانت را کردی، در واقع هر آنچه می خواهیم و به آن میل و توجه داریم خود او به ما احسان کرده همچنین احسانهای دیگری هم هست که شامل رزاقیتش است و پس از مرگ شامل حال ما می شود.

■ و همچنین در ادامه دعا می خوانیم «، وَاَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلْبِ الطَّالِبِينَ، وَاَنْتَ الْوَهَّابُ ثَمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الْمُسْتَقْرَضِينَ. الْهِيَ اِطْلَبْنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى اَصِلَ إِلَيْكَ، وَاجْذِبْنِي بِمَنْكَ حَتَّى اَقْبَلَ إِلَيْكَ»

■ حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام در ذکر سجده خود دارند؛ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْمَغْفِرَةَ بَعْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ» یعنی این ریسمان احسان و محبت خداوند با مرگ ما هم قطع نمی شود.

○ احسان ابتدایی با اشاره به دعای دوازدهم صحیفه سجادیه

■ این همه بساط نعمت و رحمتهای گوناگون، که احاطه بر آن از حوصله حصر و تحدید خارج است، بی سابقه استعداد و قابلیت است، ابواب الطاف و بخشش را به روی بندگان گشوده است بی استحقاق، نعم او ابتدایی و غیر مسبوق به سؤال است، چنانچه حضرت سید الساجدین، زین العابدین، علیه السلام، در ادعیه «صحیفه» و غیر آن مکرر اشاره فرموده اند بدین معنی که «إِذْ جَمِيعَ إِحْسَانِكَ تَفَضَّلَ وَ إِذْ كُلَّ نِعْمِكَ ابْتَدَأَ». (زیرا که همه احسان های تو تفضل است، و همه نعمتهای تو بی سابقه استحقاق است.) و در دعای ۳۲، «صحیفه سجادیه»، می فرماید: فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى ابْتِدَائِكَ بِالنِّعْمِ الْجَسَامِ. (پس سپاس برای تو است که نعمتهای بزرگ را آغاز فرمودی.) و در دعای أبو حمزه از امام سجاد و دعاهاى دیگر مانند دعای افتتاح و ... نظیر این مضمون وجود دارد.

○ توصیه به احسان با توجه به فرازی از آیه ۷۷ سوره مبارکه قصص

■ وَ ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

• و در آنچه خداوند به تو داده است سرای واپسین را بجوی و بهره خود از این جهان را (هم) فراموش مکن و چنان که خداوند به تو نیکی کرده است تو (نیز) نیکی (پیشه) کن و در زمین در پی تباهی مباش که خداوند تبهکاران را دوست نمی دارد.

■ چهار روش برای اصلاح سبک زندگی در آیه ۷۷ سوره مبارکه قصص

• باید به فکر آینده باشیم (وَ ابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ)

• زیبایی های دنیا را از دست نده (وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا؛ و سهم خود را از دنیا فراموش مکن)

• بیا و خوبی کن (وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ؛ و همچنانکه خدا به تو نیکی کرده نیکی کن)





- نمک بخور نمکدان نشکن (وَ لَا تَبْخُ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ: إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ: و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد)
- رابطه میان عدل و رحمت در کلام علوی
 - حق همیشه طرفینی است ولی انسان در خلقت هیچ حقی نسبت به خدا ندارد و لطف رحمت الهی عامل خلقت است
 - امیر المؤمنین (ع) در خطبه معروف همام در این باره می‌فرماید: «خداوند سبحان هنگام آفرینش خلق از طاعت و بندگی‌شان بی‌نیاز و از معصیت و نافرمانی آنها ایمن بود؛ زیرا معصیت گناهکاران او را زیان ندارد و طاعت فرمانبرداران سودی به او نمی‌رساند، بلکه غرض از امر به طاعت و نهی از معصیت سود بردن بندگان است و اگر با دقت و تعقل به خلقت انسان بنگریم در می‌یابیم که خداوند رسیدن به خودش را هدف خلقت انسان قرار داده است.
 - در برابر هر حقی، تکلیفی و در برابر هر تکلیفی، حقی است.
 - در حقیقت، خداوند - به حکم حکمت و عنایت - خود را مکلف کرده است که یاری مؤمنان و روزی جنبندگان را به عنوان حقی برای آن‌ها بر عهده گیرد. پس معلوم می‌شود که نه تنها در مقابل هر حقی تکلیفی است، بلکه هیچ کس نیست که تنها ذی حق یا مکلف باشد. هر مکلفی حقی هم دارد. چنانکه اگر خداوند، خود را مکلف به یاری مؤمنان و روزی رساندن به جنبندگان کرده، از حق خود نیز سخن گفته است. درباره فریضه حج می‌فرماید: «لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا؛ (آل عمران/ ۹۷) بر عهده مردمی که استطاعت دارند، حق خداوند است که حج به جای آورند.»
 - خداوند و وجوب رحمت بر خود
 - سوره انعام آیه ۵۴: وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
 - و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، به آنان بگو: سلام بر شما. پروردگارتان رحمت را بر خود واجب کرده است. چنین است که هر کس از شما از روی نادانی - نه از روی تکبر و خودبرتربینی - گناهی کند سپس بعد از آن توبه نماید و شایسته گردد، خدا او را می‌بخشد که او آمرزنده و مهربان است.
 - موضوع وجوب رحمت بر خدا، در قرآن دوبار آنهم در این سوره (آیات ۱۲ و ۵۴) آمده است.
 - خداوند همان گونه که بر ما تکالیفی واجب کرده است، وظایفی را هم بر خود مقرر فرموده؛ از جمله:
 - هدایت کردن: «إِنَّا عَلَيْنَا لِلْهُدَى»
 - رزق دادن: «على الله رزقها»
 - لطف کردن: «كتب على نفسه الرحمة»
 - و پیروزی و غلبه‌ی دین خدا: «كتب الله لاغلبننا و رسلی»
 - ولی شرط بهره‌مند شدن از رحمت الهی، رحم به بندگان است. چنانکه در حدیث آمده است:
 - «مَنْ لَا يَرْحَمَ لَا يُرْحَمَ»
 - خداوند و رحمت عامه در قرآن کریم

معاد در قرآن کریم

(ضرورت معاد)

جلسه بیست و دوم

۱۳۹۶/۱۰/۱۴



زیرموضوعات

و خلاصه سخنرانی

دکتر محمد اسدی گرمارودی

(با اندکی تصرف)

○ برای خدای تعالی دو قسم رحمت است،

○ سوره اعراف آیه ۱۵۶: **وَ اَكْتَبْنَا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ اِنَّا هُدْنَا اِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي اُصِيبُ بِهِ مَنْ اَشَاءُ وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَاكُنْهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَ يُوْتُونَ الزَّكَاةَ وَ الَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ**

■ پس می‌توان گفت که

● یکی رحمت عام که مؤمن و کافر، نیکوکار و فاجر و با شعور و بی‌شعور همه بوسیله آن به وجود آمده و از ابتدای هستی و در مسیر وجودشان مادامی که وجود دارند بوسیله آن روزی می‌خورند.

● و دیگر رحمت خاص که خود عطیه‌ای است که خداوند آن را تنها به کسانی می‌دهد که دارای ایمان و عبودیت باشند، مانند حیات طیب و زندگی نورانی در دنیا، و جنت و رضوان در آخرت که کفار و مجرمین بخاطر کفر و جرمشان از آن بهره‌ای ندارند، و بهره آنان چیزی است در مقابل این رحمت مانند عذاب استیصال و زندگی نکبت بار از دنیا، و آتش و آلام آن در آخرت.

■ پس این رحمت است که در مقابل عذاب است نه رحمت واسعه عامه، زیرا غذایی که در مقابل رحمت واسعه قرار بگیرد وجود ندارد بلکه هر موجودی که بتوان کلمه «چیز» را بر آن اطلاق کرد مصداقی از مصادیق رحمت عامه واسعه است، حال یا برای خودش رحمت است و یا برای غیر، چون اصل خلقتش به ملاک و به منظور رحمت بوده، بنا بر این، چیزی باقی نمی‌ماند که کلمه «چیز» بر آن اطلاق بشود، و ما آن را از مصادیق عذاب بشماریم.

○ استغفار و دعای ملائکه حامل عرش برای اهل ایمان

○ سوره غافر آیه ۷: **الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا فَاعْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَ اتَّبِعُوا سَبِيلَكَ وَ قِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ**

■ جمله «رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا...» حکایت متن استغفار ملائکه است، ملائکه قبل از درخواست خود نخست خدا را به سعه رحمت و علم ستوده‌اند، و اگر در بین صفات خداوندی رحمت را نام برده و آن را با علم جفت کردند، بدین جهت است که خدا با رحمت خود بر هر محتاجی انعام می‌کند و با علم خود احتیاج هر محتاج و مستعد رحمت را تشخیص می‌دهد.

■ حرف «فا» که بر سر جمله «فَاعْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا...» آمده، می‌فهماند که جمله فرع و نتیجه ثنایی است که در جمله قبلی کرده، و خدا را به سعه علم و رحمت ستودند. و مراد از راهی که مؤمنین از آن پیروی کردند، همان دینی است که خدا برای آنان تشریح کرده، و آن دین اسلام است. و پیروی دین اسلام عبارت است از اینکه عمل خود را با آن تطبیق دهند. پس مراد از «توبه» این است که با ایمان آوردن به طرف خدا برگردند.

● برهان رحمت در اثبات ضرورت معاد

○ سوره انعام آیه ۱۲: **قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَي نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا اَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ**

■ به آنان که معاد را باور ندارند بگو: آنچه در آسمان ها و زمین است از آن کیست؟ بگو: از آن خداست، همو که مهربانی بر بندگان را بر خود واجب کرده است؛ پس قطعاً شما مردم را در روز قیامت که هیچ تردیدی در آن نیست گرد می‌آورد. کسانی که بر اثر عنادشان با حق خود را باخته و زیانکار ساخته اند ایمان نمی‌آورند.



معاد در قرآن کریم

(ضرورت معاد)

جلسه بیست و دوم

۱۳۹۶/۱۰/۱۴



زیرموضوعات

و خلاصه سخنرانی

دکتر محمد اسدی گرمارودی

(با اندکی تصرف)

○ این آیه شریفه، تصریح دارد بر این که رحمت خداوند، از ذات او جدا نیست؛ زیرا، از آن جا که وجود رحمت برای خداوند، فرض ذاتی خداوند است، تخلف از آن امکان پذیر نیست، همان گونه که برهان لطف، اقتضای آن را دارد. گذشت که مقتضای کمال ذات و اوصاف خداوند، لطف و رحمت بدون تخلف او است. در غیر این صورت، امری خلاف فرض در کمال ذات و اوصاف خداوند پیش می آید که آن هم محال است.

■ علامه طباطبایی در المیزان می فرماید:

● ... لازمه نوشتن رحمت بر خودش، این است که خداوند با جمع کردن آنان در روز قیامت و پاداش دادن اقوال و اعمال شان، نعمت خود را بر آنان تمام کند تا اشخاص با ایمان، رستگار، و دیگران، زیانکار گردند؛ چون، رحمت، اقتضای چنین تفضلی را دارد. از این جهت بعد از جمله «کتب ربکم علی نفسه الرحمة» نتیجه گرفت: «لیجمعنکم الی یوم القیامة لاریب فیه» و این معنا را با رساترین وجه تأکید فرمود؛ یعنی، هم «لام قسم» و هم «نون تأکید» را به کار برد و هم فرموده است: «لاریب فیه».

○ شکل قیاس منطقی برهان رحمت :

■ صغری قیاس : معاد لازمه رحمت الهی است

● انسان و نیاز به بقاء بر مبنای فطرت

● خدا و به کمال رساندن انسان کمال طلب

● جبران ظلم ظالمان و رسیدگی به حق مظلوم

■ کبری قیاس : رحمت صفت کمالیه الهی است

■ نتیجه : ضرورتاً معاد بر حضرت حق لازم است

○ گرچه رحمت الهی گسترده و لازم است، لکن گروهی خود را محروم می کنند. «خسروا انفسهم»

○ به جای استدلال، در پی هوا و هوس بودن و به جای اولیای خدا، سراغ طاغوت رفتن و به جای ایمان و اعتقاد به آخرت، کفر ورزیدن و به جای تسلیم نور، تسلیم نار شدن، خسارت عظیم کفّار است. (تمام آیه)

#معاد_در_قرآن_کریم #ضرورت_معاد #برهان_رحمت #جلسه_بیست_و_دوم

#دکتر_محمد_اسدی_گرمارودی

#حسینیه_حاجیان #موسسه_نور_عقل_و_وحی #گروه_فرهنگی_المنهاج

<http://www.almenhaj.com> , <http://www.aghlovagy.org>

info@almenhaj.com , islam.shiea@gmail.com

